

رئیس پلیس آگاهی کشور:

## در پرونده قتل خرم‌دین منتظر پاسخ کارشناسان هستیم

**گروه حوادث/** رئیس پلیس آگاهی کشور از تشکیل یک تیم ویژه برای روشن شدن ابعاد روانشناسی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی در پرونده قتل خانوادگی بابک خرم‌دین خبر داد.

سردار محمد قنبری در گفت‌وگو با پایگاه خبری پلیس با بیان این مطلب گفت: پرونده قتل بابک خرم‌دین، خواهرش و داماد این خانواده به دست پدر و مادر ابعاد مختلفی دارد و گروهی متشکل از روانشناس، جامعه‌شناس و جرم‌شناس، در حال بررسی هستند و منتظر اعلام نتیجه کارشناسان امر هستیم؛ در واقع مد نظر ما این است که از همه زوایا به موضوع پرداخته شود.

وی درباره علت بازتاب گسترده این خبر در جامعه گفت: از آنجایی که مقتول از چهره‌های هنری و آشنا برای جامعه هنرمندان و اهالی رسانه بوده، رسانه‌ها به این پرونده، ورود گسترده‌ای داشتند و شاهد بازتاب وسیع این جنایت در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی بودیم.

وی اضافه کرد: متأسفانه علی‌رغم انعکاس گسترده رسانه‌ها و پرداختن به پرونده‌های جنایی به دلیل تحریک حس کنجکاوی و جذب مخاطب، پس از اینکه این دست پرونده‌ها در جریان رسیدگی و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد، گویی موضوع به فراموشی سپرده می‌شود کمتر می‌بینیم که رسانه‌ها به دنبال علل و ریشه این مسأله باشند یا به این محورها پرداخته نمی‌شود که «پیامدها و تأثیرات منفی نشر گسترده این سوز‌های جنایی بر افکار عمومی و جامعه به لحاظ روانشناختی یا جامعه‌شناختی چیست؟»

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چرا بعد از اینکه ناپدید شدن داماد خانواده به پلیس گزارش می‌شود و بعد از چند روز ادعا می‌شود داماد به خارج از کشور رفته، پلیس تحقیقات بیشتری برای صحت و سقم ماجرا انجام نداده است، گفت: در بحث مفقودی داماد خانواده پرونده تشکیل شده بود اما خانواده چندان پیگیر ماجرا نبودند و دلایل و مدارکی در زمان مذکور مبنی بر قتل وی نیز به دست نیامد.

وی در رابطه با پرونده‌های افراد گمشده نیز خاطرنشان کرد: چندی است طرحی در پلیس آگاهی درباره پرونده‌های افراد مفقودی اجرا می‌شود، بدین گونه که هر سه ماه یک‌بار وضعیت پرونده‌های افراد قفدانی را به‌طور «کامل» بازنگری می‌کنیم، تمام زوایای پیدا و پنهان پرونده را طی این طرح بررسی و مرور می‌کنیم، ولی به هر حال سرنوشت درصدی از قفدانی‌ها هنوز برای ما مشخص نشده و در دست بررسی قرار می‌گیرد که ممکن است درپاییم برخی از این افراد مفقودی به قتل رسیده‌اند یا به خارج از کشور رفته‌اند و...

سردار قنبری همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا پس از ورود پلیس به خانه قاتلان آنها به قتل «بابک خرم‌دین» اعتراف کردند؟ پاسخ داد: خیر! در ابتدا خانواده مقتول اعلام کردند از مقتول خبر ندارند و منکر قتل شدند و از قضیه اظهار بی‌اطلاعی کردند و پس از اینکه پلیس تشخیص داد که «بابک» در داخل خانه به قتل رسیده است و پدر و مادرش وقتی با دلایل پلیس مبنی بر قتل مواجه شدند لب به اعتراف گشودند.

این مقام ارشد انتظامی در پاسخ به این سؤال که آیا ممکن است علاوه بر این سه قتل که قاتلان اعتراف کرده‌اند، در این پرونده موضوع قتل دیگری در کار باشد که تاکنون مشخص نشده است؟ خاطرنشان کرد: حدس اولیه ما نیز این بود اما پس از بررسی‌های فنی، باید بگویم تاکنون دلایلی مبنی بر وقوع قتل دیگر توسط این افراد وجود ندارد.

سردار قنبری با بیان اینکه قتل با انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد، بیان کرد: پدر «بابک» هنوز اعتقاد دارد اگر زمان به عقب برگردد، باز همین جنایت را تکرار می‌کرد یعنی به قدری خودش را از نظر روانی اشباع کرده که اقدامات خود را توجیه می‌کند که این موضوع از دیدگاه روانشناختی قابل بررسی است. وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا همسر قاتل تحت فشار از طرف فرد قاتل دست به این جنایات زده است یا خیر؟ گفت: مادر خانواده در اعترافات خود به مشارکت بر قتل اقرار کرده است. به هر حال به نظر می‌رسد مادر خانواده در تمام مراحل زندگی تابع همسر خود بوده و از وی اطاعت می‌کرده است.

رئیس پلیس آگاهی ناجا اضافه کرد: وقتی فردی به پلیس مراجعه می‌کند برای ما فرقی نمی‌کند وابسته به یک نهاد و جایگاه خاصی باشد، ما خود را خادم همه مردم می‌دانیم و در عمل هم اثبات کرده‌ایم. یک نکته وجود دارد که گویی پرونده مربوط به اشخاص معروف بازتاب بیشتری پیدا می‌کند و این باعث می‌شود شائبه‌هایی در مورد روند پیگیری پیش آید، به‌طور مثال در پرونده‌ای که اتفاقاً یکی از ورزشکاران مالباخته بود همزمان با آن پرونده، ۴۰ مورد سرقت دیگر از سارق مورد نظر کشف شد، اما کسی به این موضوع نپرداخت.

رئیس پلیس آگاهی ناجا اضافه کرد: برخی مواقع رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای جذب مخاطب بیشتر روی پرونده‌های مربوط به هنرمندان و افراد مشهور مانور گسترده‌تری می‌دهند.

## بازی مرگ روی یشت بام

**گروه حوادث/** بازی دختر ۲ ساله روی پشت بام و سهل انگاری خانواده در مراقبت از وی باعث سقوط و مرگ این کودک شد.

سرهنگ «علی سلیمانی»، فرمانده انتظامی شهرستان «ساوجبلاغ» در این باره گفت: روز گذشته در پی تماس تلفنی شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر فوت یک کودک ۲ ساله بر اثر سقوط از آپارتمان مسکونی، بلافاصله گشت کلانتری ۱۱ به محل حادثه اعزام و مشخص شد یک کودک ۲ ساله حین بازی در پشت بام آپارتمان مسکونی به پایین سقوط کرده و بر اثر ضربه شدیدی که به سرش وارد آمده جان خود را از دست داده است.

فرمانده انتظامی شهرستان «ساوجبلاغ» خاطرنشان کرد: پرونده‌ای در این مورد تشکیل و جسده به پزشکی قانونی برای تعیین علت دقیق فوت وی منتقل شد.

سرهنگ سلیمانی در پایان با تأکید بر رعایت نکات و هشدارهای پلیسی از شهروندان خواست بر نحوه و مکان بازی کودکان نظارت کافی و مستمر داشته باشند تا دیگر شاهد این‌گونه حوادث تلخ نباشیم.

## گروه حوادث/ مرجان همایونی:

**دو تاجر ایرانی وقتی برای**

**شراکت و سرمایه‌گذاری**

**با مرد افغانستانی، راهی**

**این کشور شدند تصور**

**نمی‌کردند پس از ۲۱ روز**

**گروگانگیری و تهدید مرگ**

**باید ۱۲۰ هزار دلار نیز برای**

**آزادی خود بپردازند.**

به گزارش «ایران»، مهندس میانسانی که به‌عنوان مدیر واحد صادرات و مشاور مدیرعامل یک شرکت صنعتی مشغول به‌کار بود پس از آشنایی با یک تاجر افغانستانی در حالی که فکر می‌کرد بعد از شراکت با این مرد به سود میلیاردری می‌رسد درگیر ماجراجاری شد که او و دوستش را به مرز نابودی کشاند. این مرد در تشریح ماجراجایی که برایش رخ داده بود به خبرنگار «ایران» گفت: به‌خاطر شیوع کرونا دیگر نمی‌توانستیم برای معرفی و فروش محصولات شرکت به خارج از کشور سفر کنیم. به همین خاطر برای جذب مشتری بیشتر به شکل تلفنی با تاجر و مشتری‌نامان در خارج از کشور ارتباط می‌گرفتیم و من مسئول صحبت با این افراد بودم.

او ادامه داد: در میان این مشتریان مردی با ما تماس گرفت که خودش را حفیظ یکی از تاجر افغانستان معرفی کرد و گفت می‌خواهد محصولات شرکت ما را در آن کشور به فروش برساند. تماس‌های من با حفیظ ادامه پیدا کرد البته او فقط تماس می‌گرفت و هر زمان که من تماس می‌گرفتم در دسترس نبود و بعد خودش با من تماس می‌گرفت.

### سرمایه‌گذاری میلیاردی

مهندس میانسال در ادامه گفت: تماس‌های تاجر افغانستانی همچنان ادامه داشت تا اینکه یک شب او پیشنهاد وسوسه‌کننده‌ای به من داد که متفاوت با کار شرکت بود. حفیظ گفت من خیلی ثروتمند هستم و دو میلیون دلار دارم و می‌خواهم با این پول سرمایه‌گذاری و کارآفرینی کنم. من هم موافقت کردم و چند پروژه را پیشنهاد دادم بعد هم با مردی به‌نام بهروز تماس گرفتم ایده تجارت و کسب و کار را از او بگیرم.

او ادامه داد: بهروز قبلاً برای کار در شرکت ما در خواست داده بود اما به‌دلیل یکسری موارد با او همکاری نکردیم و بعد

در یک شرکت تجاری دیگر مشغول به کار شد. بهروز ایده تولید «نانو دارو» داد. چند پروژه مناسب دیگر هم پیدا و پروژه‌ها را برای حفیظ ارسال کردم و او از من خواست خودش با بهروز صحبت کند. من هر شب با حفیظ صحبت می‌کردم و در این میان اطلاعات شخصی و خانوادگی من را می‌گرفت. حفیظ با بهروز هم تماس گرفت و قرار شد در این سرمایه‌گذاری من سهم بیشتری از سود حاصل ببرم. بعد هم از ما خواست به افغانستان برویم. طبق گفته سفر کنیم. به همین خاطر برای جذب مشتری را تأیید می‌کرد. یک روز هم باید به سفارت ایران یا کنسولگری ایران می‌رفتم و بعد از دو روز به کشور برمی‌گشتم. با موافقت بهروز قبول کردم و به افغانستان رفتم.

### سفر به افغانستان

مهندس میانسال که هرگز تصور نمی‌کرد در این سفر چه سرنوشت شومی در انتظارش است، گفت: طبق برنامه‌ریزی حفیظ، ما با هواپیمای به مشهد رفته و از آنجا با تاکسی راهی مرز دواغران شدیم. قبل از مرز ایست بازرسی بود و آنجا فهمیدم که بهروز به سفارش حفیظ دو ساعت طلا به مبلغ ۵۳ میلیون تومان خریداری کرده است، البته حفیظ از من خواسته بود برایش گوشی تلفن همراه نیز بخرم که گفتم پول ندارم و نخریدم.

از طرف مرز مردی با یک خودروی سوزوکی نقره‌ای منتظر ما بود. وقتی سوار شدیم ۱۰ کیلومتری که طی شد خودرو به فرعی پیچید و در تمام این مدت راننده مدام در حال صحبت با تلفن بود. وقتی اعتراض کردم به مردی به‌نام بهروز تماس گرفتم اما به تجارت و کسب و کار را از او بگیرم. بعد از طی مسافتی هم از ما خواستند که سرهایمان را پایین بگیریم چون داعش و امریکایی‌ها سرراه در کمین هستند. مسافتی

را طی کردیم که متوجه شدم خودروی سفید رنگی در تعقیب ماست و در نهایت راننده پس از دقایقی در بیابان نگه داشت و خودروی سفید رنگ هم به آنها پیوست و آنجا بود که متوجه شدیم تمام اینها نقشه بوده و ما گروگان گرفته شده‌ایم.

### آغاز گروگانگیری

مردان ناشناس با کلاشینکف و هفت تیر ما را از خودرو بیرون کشیدند و پس از گرفتن تمام وسایل و دلارهای ما سوار خودرویی شاسی بلند شدیم و با چشم‌هایی بسته، خودرو به حرکت درآمد. دقایقی بعد ما را به یک خانه بردند دو مرد میانسال ما را با چشم‌هایی بسته از پله‌ها بالا برده و وارد اتاقکی کوچک شدیم. آنجا بود که برای آزادی ما پیشنهاد عجیبی مطرح شد: اگر می‌خواهید زنده بمانید و آزاد شوید باید ۲۰۰ هزار دلار بدهید.

مهندس میانسال گفت: ما در آن اتاق زندانی بودیم و به غیر از چهره افرادی که ما را به آنجا آورده بودند حق دیدن چهره کسی را نداشتیم. اگر کسی می‌خواست وارد اتاق شود یا چشم‌های ما را می‌بستند یا اینکه آنها نقاب به چهره می‌زدند. ۴ روز در آن خانه بودیم بعد به خانه دیگری انتقال داده شدیم. در تمام مدتی که ما گروگان آنها بودیم پاهایمان با زنجیر بسته و به لوله‌ای قفل می‌شدیم تا نتوانیم فرار کنیم. ما ۱۷ روز در این اتاق گروگان بودیم و نگهبان داشتیم.

او ادامه داد: آنقدر با آنها چانه زدیم که از نقری ۱۰۰ هزار دلار به ۶۰ هزار دلار راضی شدند و مدام تهدید می‌کردند که اگر این پول را ندهیم ما را قطع عضو می‌کنند یا به قتل می‌رسانند یا اینکه ما را به داعشی‌ها می‌فروشند. آنها می‌گفتند داعشی‌ها به خاطر

ما کلی پول می‌دهند.

### تحقیقات پلیس ایران

همزمان با ناپدید شدن آنها با توجه به

هم حاضر نبود حق پدرم را بدهد به همین خاطر از او کینه داشتم اما در مقابل عمام از خیلی دوست داشتم. وی در ادامه اظهار کرد: آن شب وقتی به خانه عمام رفتم قرص خورده بودم و حال خوبی نداشتم بعد هم از مشکلات زندگی‌ام گفتم و چون عمو و پدر بزرگم را عامل این مشکلات می‌دانستم از آنها بدگویی کردم که عمام عصبانی شد و سیلی محکمی به صورتم زد و باهمم درگیر شدیم و بعد هم از عصبانیت او را خفه کردم.

به دنبال اعتراف پسر جوان، کفرخواست صادر و پرونده‌اش به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه پدر بزرگ و مادر بزرگ آرمان برای وی درخواست قصاص کردند، سپس آرمان به جایگاه رفت و با تکرار اظهاراتش در مرحله بازجویی عنوان کرد که آن شب به خاطر مصرف قرص در حالت طبیعی نبوده است و از کاری که کرده بود ابراز اندامت و پشیمانی و از پدر بزرگ و مادر بزرگ خود طلب عفو کرد.

پس از اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.



اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: بعداز جدایی پدر و مادر من با پدرم که فلج بود، زندگی می‌کردم. ما وضع مالی خوبی نداشتیم و پدر بزرگم همه اموالش را به نام عمویم کرده بود و او

در تحقیقات بعدی مشخص شد برادرزاده ۲۴ ساله من با نام آرمان گاهی اوقات به خانه عمه اش می‌آمد و مأموران به تحقیق از او پرداختند که آرمان در همان ابتدا به قتل عمامش

## ۲ تاجر ایرانی ۲۱ روز در افغانستان گروگان بودند

# ۱۲۰ هزار دلار برای رهایی از اسارتگاه مرگ

است جلو می‌روم و تو هم پشت سر من بیا. به راه افتادیم و با شنیدن هر صدایی خودمان را لای لای بوته‌ها مخفی می‌کردیم.

### ■ بوسه بر خاک وطن

دو مرد تاجری ساعتی که پیاده راه رفتند چشم شان به برجک‌های دیده بانی ایران و سیم خاردارهایی که لب مرز بود، افتاد.

مهندس میانسال گفت: به بهروز گفتم پیراهن سفیدت را در بیاور و در هوا تکان بده، چون می‌ترسیدیم به ما تیراندازی کنند. ۳ سرباز ما را دیدند و دستور ایست دادند. ما فریاد می‌زدیم ایرانی هستیم. ما را گروگان گرفته بودند و حالا آزادمان کرده‌اند. اجازه بدهید وارد خاک ایران شویم که یکی از سربازها گفت همانجایی که ایستاده اید ایران است. با شنیدن این حرف انگار دنیا را به ما داده بودند. هیچ کسی نمی‌تواند حس آن لحظه ما را درک کند. روی زمین افتادیم و سجده شکر به جا آوردیم و خاک وطن را بوسیدیم. بعد هم هماهنگی‌های لازم صورت گرفت و ما را به تهران منتقل کردند. حتی مأموران پاسگاه مرزی بعد از شنیدن سرگذشت ما تعجب کرده بودند که زنده مانده‌ایم.

سرهنگ مرتضی نشاری، معاون جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت گفت: بارها پلیس و نهادهای مربوطه هشدارهای لازم را درباره سرمایه‌گذاری در خارج از کشور با ارتباط با اتباع دیگر کشورها داده‌اند. یکی از پیشنهادات این است که برای سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر تحقیق کرده و با احتیاط کامل عمل کنند و از طریق سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها تحقیق کنند و بدون اطلاع و خودسرانه به افراد خارجی که پیشنهادهای سرمایه‌گذاری می‌دهند اعتماد نکنند. در این پرونده نیز تحقیقات برای دستگیری عاملان این گروگانگیری از سوی کارآگاهان پلیس ادامه دارد.



## صید جغد زیبا در خیابان اقدسیه

**گروه حوادث/** آتش‌نشانان پایتخت، جغد

زیبایی را که موجب ترس و نگرانی اهالی محله اقدسیه شده بود، به دام انداختند.

به‌گزارش گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران پویا؛ ساعت ۸:۴۵ صبح دیروز ساکنان ساختمانی در خیابان اقدسیه تهران با آتش‌نشانی تماس گرفته و از مشاهده یک بهله جغد، خبر دادند.

مهدی لاسمی؛ فرمانده آتش‌نشانان اعزامی درباره جزئیات این حادثه اظهار کرد: در محل حادثه یک بهله جغد در خیابان اقدسیه، باعث ترس اهالی شده بود که آتش‌نشانان با استفاده از ابزار ویژه نجات، با رعایت کامل موارد ایمنی، پرنده را بدون هیچ‌گونه آسیبی به دام انداختند و با هماهنگی مسئولان پارک پردیسان، پرنده را تحویل آنها دادند.

## سقوط مرگبار پسر ۷ساله به چاه

**گروه حوادث/** خانواده زنجانی وقتی متوجه غیبت طولانی پسر ۷ساله شان شدند او را در چاه ۱۵ متری پیدا کردند.

حسن غفاری، مدیر روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری زنجان در تشریح این ماجرا گفت: شنبه شب پس از تماس یکی از شهروندان مبنی بر سقوط پسر بچه هفت ساله در چاه، بلافاصله نیروهای آتش‌نشانی به روستای کاوند در ۳۵ کیلومتری زنجان اعزام شدند؛ پس از حضور نیروهای امداد، از ایستگاه یک آتش‌نشانی، عملیات خروج از چاه آغاز و پس از چند دقیقه پیکری جان این پسر بچه از چاه بیرون کشیده شد.

غفاری گفت: این خانواده پس از غیبت طولانی فرزندشان به جست‌وجوی او پرداختند که متوجه سقوطوی در چاه شدند اما این حادثه در نهایت به مرگ کودک ختم شده است.

